

نامه همایی به تقی زاده

ایرج افشار

در میان اوراق تقی زاده یک نامه از استاد مرحوم جلال الدین همایی (۱۲۷۸-۱۳۵۹) به دست من رسیده است. چون نمونه‌ای است از نامه‌نویسی آن دانشمند شهیر و اطلاعی را درباره کتاب غزالی نامه در بر دارد برای درج تقدیم می‌شود.

قربان وجود مقدست گردم؛

«لطفها می‌کنی ای خاک رهت تاج سرم». دیر زمانی است که بنده با آثار قلمی و تحقیقات علمی و ادبی آن وجود محترم که در این دوره یعنی عهد غربت علم و فضل بهترین مایه انس و تسلیت غریبان یعنی بازماندگان اهل دانش و فضیلت است آشنا و مأنوس اما از دیدار آن حضرت بی نصیب و محروم.

یا قوم اذنی لبعض الحیّ عاشقه / و الأذن تعشق قبل العین احیانا

دو بیت ذیل از طغرائی اصفهانی است:

غریب غریب الفضل و المقدور و الهوی / ألا کلّ حال الفاضلین غریب

و ما لی ذنب یقتضی مثلّ حالتی / سوی اننی فیما یقال ادیب

ز نهار مقصود بنده نه این است که خود را جزو فضلا و علما بدانم! من تنها از این موهبت الهی ممنونم که مقام و مرتبه علم و فضل را می‌شناسم و به حقیقت می‌دانم که خود عالم و فاضل نیستم و دعوی بیجا در علم و فضل ندارم و اگر در دعوی زخم از روی دانش و معرفت شرمسارم.

اما بی‌اندازه متأسف و متأثرم که در این ظلمتکده جهل و نادانی وجود امثال حضرت مستطاب عالی که ستارگان قدر اول دانش و بیش هستید انگشت‌شمار است و می‌دانم که با وجود مقتضیات و موانع عصر

حاضر دعای «کَثُرَ اللَّهُ امثالکم» هم مقرون به اجابت نخواهد بود.

بالجمله از الطاف و تشویق‌های بی‌آلایش حضرت مستطاب عالی که مکرر بهوسیله آقای [حسین] پرویز صاحب کتابخانه طهران - حفظه الله - به بنده ابلاغ شده است بی‌اندازه سپاسگزارم و زبانم از ادای حق امتنان عاجز و ناتوان است.

باور بفرمائید که در مقابل چند سال رنج و زحمت که در تألیف و تصحیح دو سه کتاب کشیده‌ام به همین مایه اجر که به نظر انور عالی رسیده و مورد پسند و قدردانی آن وجود محترم که در سراسر شؤون علمی و ادبی و اجتماعی این کشور پیوسته منبع فیض و رحمت و سرچشمه قدس و طهارت معنوی بوده است واقع شده کاملاً راضی و خرسندم. زیرا که من در تحمل زحمت و بذل جهد و طاقت در کارهای علمی و ادبی جز این مزد نمی‌طلبم که در نظر کارشناس حقیقی مورد قبول واقع شده باشد. «مراد اهل حقیقت قبول اهل دل است».

مدتی بود که بهانه تصدیق می‌جستم باشد که ادای شکر را برخی به عرض برسانم تا این اوقات که به‌توسط آقای پرویز - حفظه الله - مأخذ یکی از حواشی غزالی‌نامه را خواسته بودید موقع را مغتنم شمرده به عرض این نامه مبادرت جستم امید است که به جوابم قرین افتخار فرمائید.

اما مأخذ اینکه در کتاب غزالی‌نامه حاشیه ص ۲۴ نوشته‌ام که در سال ۵۴۶ حسین بن ابوالهیجا روی قبر اسمعیل بن جعفر الصادق - علیه السلام - بقعه ساخت حاشیه کتاب فرق الشیعه تألیف ابی محمد حسن بن موسی النوبختی است (چاپ نجف، ص ۶۷).

محمّدی درباره اسمعیل بن جعفر می‌نویسد: «عده الشیخ فی رجاله من اصحاب الامام الصادق علیه السلام و کان رجلاً صالحاً و کان اکبر اخوته و کان ابوه الصادق علیه السلام شدید المحبة له و البر به و کان یظن قوم من الشیعة فی حیاة ابيه انه القائم بعده و الخلیفة له اذ کان اکبر اخوته سنّاً و اهل ابيه ایه و اکرامه له فمات فی حیات ابيه بالعریض و حمل علی رقاب الرجال الی المدینة حتّی دفن بالبقیع سنة ۱۳۳ فحزن علیه ابوه حزناً شدیداً و تقدّم الی سریره بغیر حذاء و لا رداء فأمر بوضع سریره علی الارض من قبل دفنه مراراً کثیرة و کان یکشف عن وجهه و ینظر الیه یرید بذلك تحقیق امر وفاته عند الظانین خلافته له من بعده و ازالة السببه عنهم فی حیاته و فی سنة ۵۴۶ وصل المدینة الحسین بن ابی الیهیجا وزیر العبیدلی فبنی علی مشهده قبة» انتهى.

فرق الشیعه چاپ نجف با مقدمه سید هبه‌الدین شهرستانی و تصحیح و تعلیقات سید محمدصادق بحرالعلوم نشر شده و در حقیقت تجدید طبعی است از چاپ قدیم استانبول با حواشی و تعلیقات تازه که در چاپ استانبول نیست.

خواهشمندم در این باره و همچنین درباره دیگر مطالب غزالی‌نامه و نصیحة الملوک و کتاب التفهیم هر گونه نظری دارید از اظهار و یادآوری ممنون و مفتخرم فرمائید. والسلام.

به تاریخ ۱۹ بهمن ماه ۱۳۲۰ شمسی هجری مطابق محرم ۱۳۶۱ قمری هجری

(جلال - همائی)

قربان جوهر است (۱) ۱۳۳۰
 علمه سینه این خاک است بی نام ۱۳۳۰
 زنده و آرزوی بختیست علمی آبی آن جوهر گم که در این آلوده زمین خفته
 هم و فصل هرگز برین دیده آتش رنگت خیزان برین آرزوی آن که در آرزوی تو
 بنام زلفش آرزوی آن حضرت بی نصیب از کرم
 با تمام آذنی لبش لحنی خفاشند ۱۳۳۰ و آرزوی تو شش لبی لبین احسان
 در بیت زهر از طرزی استغنی است :
 فریب فریب الضل و الضل و الضل ۱۳۳۰ آن کمال حال الفریقین فریب
 و مالی ذنب بطنش مثل حال حق ۱۳۳۰ سوی آن خفاش حال ادیب
 زنده مستور بنده ز این بیت که خود را بر زلفش و با جانم : ۱۳۳۰ من تنها
 از این موصیبت آبی منم که مقام و مرتبه علم و فضل را می گنایم بخت
 میمانم که خود عالم و فصل ششم ۱۳۳۰ در عصر بیجا در هم فصل خام و اگر در وقت
 از دور ما نشی و بوقت زمام ۱۳۳۰ آرزوی آن آرزوی تو خافت ز آثارم که این
 غلغله جلی ز فغان و جوهر آتش حشرت با که ستانان قرار
 ناشی و جنبش مستعد ۱۳۳۰ آتش شاد است ۱۳۳۰ و میمانم که ۱۳۳۰ وجود شغلیات
 و مانع عصر حاضر ۱۳۳۰ در آن وقت که میمانم که ۱۳۳۰ در آن وقت که میمانم که
 با کمال از دلالت و کثرت ۱۳۳۰ در آن وقت که میمانم که ۱۳۳۰ در آن وقت که میمانم که
 برین حساب که با کمال ۱۳۳۰ در آن وقت که میمانم که ۱۳۳۰ در آن وقت که میمانم که
 با کمال ۱۳۳۰ در آن وقت که میمانم که ۱۳۳۰ در آن وقت که میمانم که

پیام بهارستان / ۲۰۳، ش ۱۱ / بهار ۱۳۹۰

ظلم بوضع سریره علی الارض قبل دفن مراراً کثیره و کان یکسفت عن وجهه
و نظر الیه پرید بذاک تحسین ابروفاتمه عند الطائین خلافت له من بعده و
انزال الشبهه عنهم فی حیاته وفی سنه ۵۴۶ و صل المدینه الحسین بن
ابی الهجاء وزیر البصلی فبنی علی مشهده قبه نهر
فوق الشیخ جاب نجف بائنه سیده الیزید شہرتانی و تصیح و تعلیقات
سید محمد صادق بحر العلوم فشرحه و در حقیقت بجهت طبعی است از جاب قدیم شانبول
با حاشی و تعلیقات تازه که در جاب اشانبول نیست .
خواجگندم در این باره و همچنین در باره دیگر مطالب غزالی نامه و نصیحه الملک و کتابت
هرگونه نظری دارید از اظهار و یاد آوری ممنون و مستقرم فرمائید و تسلیم
تاریخ ۱۹/۱۰/۱۳۲۰ شمس بهرستان نوم ۱۳۶۱ قمری
(جلال - هانی)